



علیرضا نوروزی طلب، دکتری
پژوهش هنر، استادیار
دانشگاه تهران

Alireza Noroozitalab,
Ph.D in Art Research,
Assistant Professor at
Tehran University
Noroozi_110@yahoo.com

چکیده: یکی از استعداد‌های شگرف آدمی، درک معقولات و مفاهیم است. قوه مفکره، امکان فهم را برای انسان‌ها میسر کرده و نیروی فهم نیز توان تفسیر جهان را فراهم آورده است. پدیده‌های طبیعی و دست‌ساخته‌های انسانی، ابژه‌ها یا "برابر نهاده شده" هایی است که در هر مرتبه‌ای از مراتب فهم، عرصه تفسیر را نیز مفتوح داشته است. شهرسازی و شهرنشینی تجسم تاریخمند حیات و تجربه زندگی است که به مثابه پیکره‌ای انداموار نشان از تکاپوی مادی و معنوی نوع بشر دارد. شهر در نگرش هرمنوتیکی همچون متن قابل تفسیر، تجلی گاه زندگی اجتماعی اوست که علاوه بر جنبه‌های کارکردگرایانه ویژگی‌های حیات معنوی جوامع انسانی را نشان می‌دهد.

فرم و شکل شهر از مجموعه بافت‌های نشانه‌ای تشکیل شده که ماهیتی زبانی دارند. شکل شهر، می‌تواند به مثابه شکلی معنادار تفسیر شود. هرمنوتیک در این بحث، علم تفسیر نشانه‌های موجود در متن شهر، برای دریافت معانی آن است. علم هرمنوتیک و نشانه‌شناسی ابزاری کارساز در فهم فرم و محتوا از طریق تحلیل نشانه‌های منظر شهری است.

واژگان کلیدی: هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، شهر، زبان تجسمی، فرم و محتوا.

Hermeneutics of Urban Landscape

Reading the urban landscape as context

Abstract: One of the wonderful talents of human is to understand rational ideas and concepts. The thinking ability has made the understanding possible for humans and understanding has also provided the ability to interpret the world. Natural phenomena and human artifacts are objects that in each level of realization levels, has opened the interpretation field too. Urban planning and urbanism is the historical visualization of life and living experience which like an anatomic figure shows the spiritual and physical rush of mankind. In the hermeneutics attitude city as an interpretable context is the expression of his social life that shows the spiritual life of human societies in addition to functional aspects.

Form and shape of the city is composed of sign textures which have a linguistic nature. Shape of the city can be interpreted as a meaningful shape. In this discussion, hermeneutics is the science of interpreting city indications in order to obtain their meanings. Science of Hermeneutics and semiotics is an effective tool to understand the form and content through the analysis of urban landscape signs.

Keywords: hermeneutics, semiotics, city, visual language, form and content.



هرمنوتیک منظر شهر

قراءت منظر شهر به مثابه متن

نشانه‌هایی تشکیل شده که اجزای آن را می‌سازد. تفکیک معنا از نشانه، به سیاق عدم امکان تفکیک دال از مدلول، ممکن نیست. معهدا شهر، محصول تفسیر صورت شهر است.

شهر به مثابه پدیده‌ای چند وجهی

شهر، پدیده‌ای چند وجهی است. همچون مجموعه تصاویر مندرج در صفحه‌ای است که در نگاه روبرو، یک تصویر و از زوایای دیگر، چهره‌ای دیگر از آن را می‌توان رؤیت کرد. شهر، شئی واحد و ثابت نیست که بتوان با فهمی شخصی با آن مواجه شد. تمام پدیده‌هایی که با حواس پنجگانه آدمی قابل ادراکند، اجزایی از پیکره شهر تلقی می‌شوند. همه در شکل‌گیری "تصویر شناور شهر" سهیم‌اند. آنچه در شکل‌گیری شهر اهمیتی اساسی دارد، تأمین اهداف انتفاعی و خدماتی است. بر این اساس شهر می‌تواند در اجزا تغییر شکل پیدا کند. مثلاً ساختمانی خراب شود تا خیابان، پهنای بیشتری برای سهولت عبور و مرور و رفع مشکل ترافیک، پیدا کند. اما در روند آن تخریب و این ساخت، باید کلیتی به نام مفهوم شهر در نظر شهروندان پاس داشته شود. شهر، ابرمندی است که در وهله نخست، صورتی تجسمی دارد. بافتی از نشانه‌های تصویری است. تصویرها در شهر، تصویرهایی معنادار است؛ تا حدی که زبانه‌های پراکنده‌شده در شهر هم جلوه‌ای از سیما و منظر شهر به حساب می‌آید. ازدحام جمعیت و ترافیک همچنین است. از دیدگاه هرمنوتیکی، این مناظر با مجموعه‌ای از تصاویر ثابت و متحرک، نشانه‌های تصویری معنادار است. تصویرها، هر یک نشانه معنا، محتوا و مضمونی خاص است. مجموعه درهم تنیده‌شده این تصاویر، تصویر شهر و سیمایی است که خلیقات، عادات، رسوم، رفتارها، عقاید و به طور کلی خصوصیات شهروندان یک شهر و هر جامعه شهری را عیان می‌کند.

پس، شهر، کالبدی معنادار است و نه تنها پیکره‌ای صرفاً خدماتی و دارای عملکرد نیست، بلکه پیکره و اندام‌های شهر با منش‌های معنایی و معنوی شهروندان گره خورده است.

شهر، تجسم روح جامعه

شهر، تجسم روح جمعی شهر و شهروندانش است و نمی‌توان کالبد شهر را از وجوه معنایی آن منفک کرد. هرمنوتیک، از طریق تحلیل اجزای کالبد شهر، وجوه

معنایی و محتوایی سیمای شهر را تبیین می‌کند. تفسیر شهر، در فهم شهروندان، مجموعه‌ای از برآیند تفسیرهای فرد فرد جامعه شهری است که می‌تواند معتبر باشد.

هرمنوتیک، با روش‌های علمی و آماری قادر به کشف تفسیر جمعی شهروندان از شهر است. جوامع بشری در طی تاریخ در تلاش بودند که شهری آرمانی بر روی کره زمین ایجاد کنند و بهشت وعده داده‌شده را به واقعیتی عینی در جهان ماده مبدل کنند.

شهر، همچون ساختار اثر هنری دارای دو مؤلفه فرم و محتوا است. فرم شهر بایست در نهایت، کمپوزیسیونی زیبا از اجزایی باشد که هر یک به تنهایی واجد دو مؤلفه زیبایی و عملکرد مطلوب است. از یک سو، تجربه زندگی و حیات آرمانی نوع بشر است که به این ترکیب، یعنی منظر شهر، شکل می‌دهد و از سوی دیگر، این سیما و منظر شهر است که تجربه زندگی آرمانی و حیات معنوی نوع بشر را مجسم و محسوس می‌کند. صورت و محتوا در این نگاه هرمنوتیکی، پشت و روی یک سکه است که جدایی آنها از یکدیگر امکان‌پذیر نیست. پس می‌توان از طریق فرم، معنا را دریافت و از طریق معنا، به آفرینش فرم دست یازید. عملی که در پی کشف معنای فرم‌ها و انواع نشانه‌ها باشد، عملی هرمنوتیکی است که غایت و هدف آن کشف معنای ابژه‌ها یا برابر نهاده شده‌هایی است که می‌تواند هر پدیده‌ی مربوط به شهر باشد.

هرمنوتیک

در فرهنگ بین‌المللی «وبستر» ذیل عبارت Hermeneutis ملاحظه می‌شود که وجود حرف S در پایان این لغت به معنای «قواعد» و «نظریه» (یا علم) است (پالمر، ۱۳۷۷: ۳).

علم هرمنوتیک، مطالعه فهم و به ویژه وظیفه فهم متون را بر عهده دارد. از واژه «Interpretation» به معنی تعبیر، برداشت، تفسیر، توضیح، ترجمه، اجرا درمی‌یابیم که "عمل رمزگشایی و فهمیدن معنای اثر، کانون علم هرمنوتیک است" (همان: ۱۴). موضوع علم هرمنوتیک، "ابژه‌های به نام سیمای شهر است". مفسر بدون شناخت عمیق وجوه متعدد این ابژه، هیچگاه نمی‌تواند اقدام به عمل تفسیر کند. عمل تفسیر می‌تواند مبتنی بر روش‌های متعدد باشد. روش‌هایی که مفسر را به قصد تفسیری‌اش که کشف محتوا و معناست، دلالت کند.

علم هرمنوتیک را می‌توان به فهمیدن آثار انسان تفسیر

مقدمه

شهر چیست؟ مجموعه‌ای از توده‌های ساختمانی و فضاهایی که ساخته انسان بوده و برای رفع حوایج مادی و معنوی آدمی شکل گرفته است. در این تعریف، شهر اجزای بسیار متنوعی پیدا می‌کند که هر یک، علاوه بر عملکرد مادی از کنش معنایی نیز برخوردار است. برای انسان امروز، پیکربندی شهر پیشاپیش شکل گرفته است. فضای شهر نقشی اساسی در شکل‌دادن فهم انسان‌ها دارد و متقابلاً شهرسازان نیز با توجه به فهم شهروندان و خواست آنها، چهره شهر را تغییر و توسعه می‌دهند. خدشه‌دار شدن هر یک از اجزای شهر به هویت شهر لطمه وارد می‌کند. شهر با عوامل و عناصر عینی، بر اساس قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه در کنار هم ساخته شده است. به عبارتی، شهر، دارای کمپوزیسیونی هدفمند و غایتمند از مجموعه اجزای ساخته شده است که بر اساس نوع نظام و ارتباط مادی و معنوی با یکدیگر، پیکره و مفهوم شهر را صورت‌بندی می‌کنند. شهر، علاوه بر ساختار تجسمی‌اش، حامل مفهومی ذهنی است. این مفهوم ذهنی نیز از به هم پیوستن مفاهیم هر یک از اجزای شهر بر اساس رابطه‌های معنایی که هر شئی با شئی دیگر پیدا می‌کند، حادث می‌شود. در نتیجه شهر همچون جامعه، موجودی حیاتمند تلقی می‌شود. شهروندان نسبت به شهر احساس تغیر دارند. نوعی غیرت ناشی از دوست داشتن! دوست داشتن شهر، امر عاطفی و معنوی است همچون وطن‌پرستی و غیرتمندی نسبت به آب و خاک وطن! ارکان شهر، مهم‌ترین شأن از شئون جامعه است که با تصمیمی جمعی و اجتماعی پایه‌ریزی می‌شود.

فرضیه

شهر به مثابه یک متن، قابلیت تفسیر دارد. شهر از



«میشل فوکو» نیز در «واژه‌ها و چیزها» نوشته است: «ما هرمنوتیک را مجموعه معارف و فنونی می‌دانیم که نشانه‌ها را به سخن گفتن وامی‌دارد و به ما امکان می‌دهند تا معنایشان را دریابیم؛ و نشانه‌شناسی را چونان مجموعه معارف و فنونی تعریف می‌کنیم که ما را قادر می‌سازند که تشخیص دهیم نشانه‌ها کجا هستند، تعیین کنیم چه چیزی آنها را به هیئت یک نشانه در می‌آورد، و نیز دریابیم که روابط و قوانین حاکم بر ترتیب و توالی آنها چیست؟» (گیرو، ۱۳۸۰).

شهر و نشانه‌ها

منظر و سیمای شهر، تصاویری سخنگو به مثابه نشانه‌هایی معنادارند. هرمنوتیک شهر از طریق نشانه‌های تصویر به کشف معنای آنها اهتمام می‌ورزد.

تفسیر منظر شهر نیازمند سه چیز است. ۱- دانش هرمنوتیک. ۲- روش‌های نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی به معنای وسیع کلمه که نشانه‌شناسی تنها بخشی از آن به شمار می‌رود. ۳- شناخت زبان تجسمی منظر شهر. در «فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی» می‌خوانیم:

«واژه نشانه‌شناسی (semiotics) در اواخر قرن نوزدهم میلادی توسط فیلسوف پراگماتیست آمریکایی «چارلز سندرز پیرس» ابداع شد. مراد از این واژه «علم بررسی نشانه‌ها» بود» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۵۱۴).

نشانه‌شناسی به بررسی نظام‌های مختلف نشانه‌هایی می‌پردازد که مولد معانی مشترک و سازنده فرهنگ‌های گوناگونند. از آنجا که زبان برای انسان، نظام اصلی و بنیادی نشانه‌هاست، [و نشانه‌شناسی به همین اعتبار، شاخه‌ای از زبان‌شناسی است] نظام‌های غیرزبانی نشانه‌ها مانند ژست‌های فردی و اشکال لباس را نیز می‌توان شبیه به زبان دانست، زیرا آنها نیز تشکیل شده از نشانه‌های حامل معنا هستند (همان). در این صورت هر پدیده‌ای که به عنوان نشانه شناخته شود، به مثابه زبانی است که به چیزی دلالت دارد. صورتی است که بیانگر معنایی است و یا معنایی است که به جهت ظهور، صورتی یافته است. نشانه، دالی است که به مدلولی دلالت دارد. شکل این دلالت، به هم‌پیوستگی است؛ یعنی دال و مدلول به هم گره خورده است. اگر دال و مدلول را بتوان به فرض محال از یکدیگر جدا کرد، صورت و شکل فاقد معنا خواهیم داشت و می‌دانیم که امکان ندارد شکل و فرم و صورت، بی‌معنا باشد. از طرفی، معنا و محتوا نیز بدون صورت و شکل و فرم، امکان ظهور نخواهد داشت. می‌دانیم که نشانه مجموعه از دال و مدلول است تا نشانه تلقی شود.

آگاهی به علم هرمنوتیک و نشانه‌شناسی به مثابه دانش و روش فهم پدیده‌های ساخت انسان و طبیعت، از الزامات تفسیر سیمای شهر به مثابه ابرمتنی معنادار است.

معنادار بودن منظر شهر، نه‌تنها پیش‌داوری مفسر و پیش‌زمینه ذهنی او در تفسیر سیمای شهر نیست، بلکه شهر حقیقتاً موجودی معنادار است که توسط ذهنیت‌ها و خواست‌های انسانی که ریشه در تمام وجوه حیات بشری نیز دارد، شکل گرفته و می‌گیرد.

نشانه‌شناسی را می‌توان دانش و روش بررسی تمام پدیده‌های مربوط به فرهنگ و تمدن انسانی دانست و

کرد و دامنه آن را به فهم هستی و طبیعت و تمام پدیده‌ها از جمله خود انسان و ماهیت فهم انسانی نیز توسعه داد. هدف هرمنوتیک به فهم درآوردن چیزی است که موضوع تفسیر و فهم انسانی است. «پل ریکور» (Paul, Ricoeur, 1973-2005) در باب تأویل (۱۹۶۵) گفته است:

«مراد ما از علم هرمنوتیک نظریه قواعد حاکم بر تفسیر، یا به عبارت دیگر، تأویل متنی خاص با مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که به منزله متن ملاحظه می‌شود» (همان: ۵۲). پل ریکور، تأویل را کنش فهم می‌داند و معتقد است که فهم و تأویل به صورت پایدار هم‌بسته یکدیگرند.

شهر، ابرمتنی از نشانه‌های تصویری معنادار است که آگاهی به علم هرمنوتیک و نشانه‌شناسی، از الزامات تفسیر سیمای آن به حساب می‌آید و مفسر بدون شناخت عمیق وجوه متعدد این ابژه، هیچگاه نمی‌تواند اقدام به عمل تفسیر کند. از طریق هرمنوتیک شهر، می‌توان به شناخت دقیق فرهنگ و هنر و تمدن و اعتقادات سازندگان شهروندان شهر، راه یافت.



City is a hypertext made of meaningful visual indications which awareness of Hermeneutics and Semiotics is considered necessary to interpret its appearance and the interpreter can never try to interpret without a thorough knowledge of numerous aspects of this object. Through city hermeneutics it is possible to gain an accurate knowledge of culture, art, civilization and citizens beliefs.



- گیسرو، پی‌یر (۱۳۸۰) نشانه‌شناسی، ترجمه: محمد نبوی، نشر آگه، تهران.
- نیچه و دیگران (۱۳۷۷) هرمنوتیک مدرن، گزینه جستارها، ترجمه: بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی، نشر مرکز، تهران.
- مقصدادی، بهرام (۱۳۷۸) فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر، انتشارات فکر روز، تهران.

با تشکر از استاد محترم جناب آقای دکتر سیدامیرمنصوری که در پرسش از ماهیت شهر در تدوین این نوشته یاری کردند.

نتیجه‌گیری

شهر، کالبدی تشکیل شده از شکل و معناست. شکل علاوه بر عملکرد، حامل معنا است. شکل و معنا در سیمای شهر را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد و هریک را به تنهایی مورد بررسی و مطالعه و تحلیل قرار داد. شهر، پدیده‌ای چندوجهی است. هرمنوتیک و نشانه‌شناسی، ابزاری کارآمد برای شناخت معنای شهرند. شهر، پیکره‌ای معنادار است و کارکردگرایی آن تنها بخشی از حقیقت شهر به شمار می‌آید ■

منابع

- پالمیر، ریچارد (۱۳۷۷) علم هرمنوتیک، ترجمه: محمد سعید حنایی کاشانی، انتشارات هرمس، تهران.

عالی‌ترین نمود فرهنگ و تمدن بشری را می‌توان در شهر و تمدن شهری و جامعه شهری یافت. «تصویر شهر»، تجسم فعلیت‌یافته عرصه گسترده حیات بشری و تجربه زندگی است. از طریق هرمنوتیک شهر می‌توان به شناخت دقیق فرهنگ و هنر و تمدن و اعتقادات سازندگان شهروندان شهر، راه یافت.

منظر و سیمای شهر به مثابه آینه‌ای است که گستره واقعیت‌های پنهان وجود و هستی آدمی را می‌توان در آن مشاهده کرد.